



چرخه معیوب زیرساخت‌ها و سیاست‌های
فوتبالی ایران ذره‌بین «دنیای هوادار»؛

خیال خام طرح ملی فوتبال

روزنامه
دنیای هوادار

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شنبه ۱۷ آذر ماه ۱۴۰۳

شماره ۱۷۰۰

«فرمانده سپاه استان البرز»:

تشییع پیکر شهدا آزمون عشق به
آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی بود

یادبود پرواز ناتمام شهدای رسانه در سالگرد حادثه سی-۱۳۰؛

قلم‌هایی به آسمان
پرکشیدند

در تشییع پیکرهای مطهر

هشت شهید گمنام چه گذشت؟

البرز در سوگ یاس نبوی

در هشتمین نشست تخصصی شهرآورد مطرح شد؛

باغ‌های تهران

قربانی درآمدزایی ناپایدار





ایران خواستار توقف حمایت اوکراین از تروریست‌ها در غرب آسیا شد

وزارت امور خارجه ایران خواستار توقف حمایت اوکراین از تروریست‌ها در منطقه غرب آسیا شد. «مجتبی دمیرچی‌لو» دستیار وزیر و مدیرکل اوراسیای وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، با اشاره به برخی گزارش‌ها در مورد تجارت غیرقانونی تسلیحات دریافتی از آمریکا توسط برخی مقامات اوکراینی و حمایت‌های این کشور از گروه‌های تروریستی شناسنامه‌دار در سوریه، این اقدامات را نقض صریح تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در رابطه با پیشگیری و مقابله با تروریسم دانست و خواستار توقف فوری آن شد و گفت: جمهوری اسلامی ایران از ابتدا مخالفت خود را با جنگ اعلان کرده، هیچ مداخله‌ای در این منازعه نداشته و همواره طرف‌ها را به گفتگو برای یافتن راه‌حلی دیپلماتیک برای اختلافات



یاد و خاطره شهدا،
به ویژه «شهید جعفر
زارع حساری» که ۱۸
فروردین ۶۶ به مقام
شامخ شهادت نائل
گشت، گرمای باد

شنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۳ شمارگان ۱۷۰۰

رویداد

دنیایکسواداد

سرمقاله

آن سه قطره خون...

روزی که تاریخ را سه دانشجو نوشتند



مهدی تیموری

۱۶ آذر در تقویم ایران به نام روز دانشجو ثبت شده است؛ اما اگر از شمار قابل توجهی از دانشجویها (آزاد و دولتی‌اش هم تعیین کننده است!) بپرسید، ممکن است بسیاری از آن‌ها حتی ندانند چرا این روز به آن‌ها تعلق گرفته. حقیقت تلخ این است که «روز دانشجو» بیشتر از اینکه روزی برای گرامی‌داشت باشد، یادآور دردی است که گاه در میان شور و هیجان دانشگاهی گم می‌شود: درد آرمان‌هایی که زیر خاکستر سیاست‌زدگی دفن شده‌اند.

در تاریخ ایران، دانشجو همیشه نقشی متفاوت ایفا کرده است؛ از فریادهای عدالت‌خواهانه تا حضور در خط مقدم تغییرات اجتماعی. اما آیا امروز هم همین‌طور است؟ بسیاری معتقدند که دانشجو دیگر آن «موتور محرک جامعه» نیست، بلکه به چرخ زاپاسی تبدیل شده که فقط در بحران‌های خاص از آن استفاده می‌شود. این جمله کلیشه‌ای که «دانشجو باید سیاسی باشد» شاید زمانی معنا داشت؛ اما امروز بسیاری از دانشجویها بجای سیاسی بودن، ترجیح می‌دهند در مسیر کارهای فریلنسری و مهاجرت تحصیلی قدم بگذارند. حق هم دارند! وقتی سیاست بازیچه دست جناح‌های مختلف می‌شود، چرا باید کسی بخواند وارد این میدان پر از مین شود؟

اگر برگردیم به ۱۶ آذر ۱۳۳۲، می‌بینیم که این روز نه فقط نمادی از اعتراض دانشجویی، بلکه نقطه‌ای است که سه نفر از دانشجویهای دانشکده فنی دانشگاه تهران جان خود را برای مبارزه با استبداد و نفوذ خارجی فدا کردند. احمد قندچی، مصطفی بزرگ‌نیا و آذر شریعت‌رضوی. نام‌هایی که شاید فقط در کتاب‌های تاریخ مانده باشند، اما معنای آن فریاد هنوز در گوش کسانی که به عدالت باور دارند، زنده است.

امروز اما این نام‌ها چقدر در ذهن دانشجویهای جدید زنده است؟ چند نفر از دانشجویان می‌دانند که ۱۶ آذر نه صرفاً یک تعطیلی دانشگاهی، بلکه یادآور شجاعت و اعتراض است؟ شاید کمتر کسی به این فکر کند، چون شوربختانه، دانشگاه‌ها دیگر آن جایگاه سابق خود را ندارند. در سال‌های اخیر، دانشگاه بیشتر به «کارخانه مدرک‌سازی» تبدیل شده

است. دانشجویایی که وارد دانشگاه می‌شوند، دیگر به فکر تغییر جامعه نیستند؛ بلکه دنبال این هستند که چه رشته‌ای زودتر به پول و مهاجرت ختم می‌شود. این تغییر اولویت‌ها البته بی‌دلیل نیست. وقتی بازار کار بی‌ثبات است و مدرک تحصیلی ارزش کاغذی‌اش را از دست داده، طبیعی است که آرمان‌خواهی جای خود را به واقع‌گرایی (بخوانید واقع‌گریزی) بدهد.

اما آیا مقصر فقط دانشجویها هستند؟ نه. دانشگاه‌ها هم با سیاست‌های محدودکننده، فضای انتقاد و خلاقیت را از دانشجویها گرفته‌اند. از سوی دیگر، سیاست‌گذاری‌های متناقض آموزش عالی باعث شده دانشجویان نتوانند حتی یک برنامه روشن برای آینده خود داشته باشند. بسیاری از دانشجویان معتقدند که مراسم‌هایی که هر سال به مناسبت ۱۶ آذر برگزار می‌شود، بیشتر شبیه یک «شو سیاسی» است تا گرامی‌داشت واقعی. برنامه‌هایی که گاه بیش از حد کلیشه‌ای و گاه بیش از حد رسمی‌اند، تا جایی که خود دانشجویها هم رغبت نمی‌کنند در آن‌ها شرکت کنند.

از سوی دیگر، برخی از این مراسم‌ها به تریبونی برای مسئولانی تبدیل شده که تنها در این روز یادشان می‌آید دانشگاه و دانشجو هم وجود دارد. وعده‌های کلیشه‌ای، شعارهای توخالی، و عکس‌های یادگاری، محتوای اصلی

این مراسم‌ها هستند. اگر بخواهیم نگاهی به تغییرات نسل دانشجوی امروز بیندازیم، می‌بینیم که فضای اعتراض هم تغییر کرده است. دیگر خبری از تجمع‌های شلوغ و شعارهای بلند نیست؛ اعتراض‌ها به فضای مجازی منتقل شده‌اند. توئیتر، اینستاگرام و تلگرام، میدان نبرد جدید دانشجویان هستند. اما آیا این تغییر مثبت است؟ شاید بتوان گفت که اینترنت به دانشجویان اجازه داده تا صداهای بیشتری شنیده شوند؛ اما از طرف دیگر، سطحی‌نگری و سرعت زیاد فضای مجازی باعث شده که عمق فکری اعتراض‌ها کاهش یابد.

قصه... آذر فرصتی است برای بازاندیشی در نقش دانشجو در جامعه ایران. آیا دانشجو می‌خواهد همچنان تماشاچی باقی بماند، یا می‌خواهد دوباره به بازیگر اصلی تغییرات تبدیل شود؟ این سؤال نه فقط برای دانشجویان، بلکه برای همه ماست. جامعه‌ای که دانشجوی خاموش داشته باشد، جامعه‌ای است که در برابر تغییرات کور خواهد بود. اما برای اینکه دانشجو بتواند نقش خود را ایفا کند، باید فضای لازم برای تفکر، انتقاد، و خلاقیت در دانشگاه‌ها فراهم شود. شاید وقت آن رسیده باشد که به جای برنامه‌های رسمی و شعارهای کلیشه‌ای، به دنبال راه‌هایی باشیم که واقعاً به دانشجویان کمک کند تا احساس کنند این روز متعلق به آن‌هاست.

«پزشکیان»: اجرای توافق جامع میان ایران و چین را با جدیت پیگیری می‌کنیم

دولت و مردم

مصمم به گسترش همکاری‌های خود با چین و روسیه در راستای مقابله با یکجانبه‌گرایی هستیم.

معاون نخست وزیر چین نیز در این دیدار ضمن ابلاغ سلام‌های گرم و بهترین آرزوهای رئیس‌جمهور کشورش به دکتر پزشکیان گفت: جمهوری اسلامی ایران کشوری بزرگ و مهم در منطقه و دارای نقش آفرینی سازنده و موثر در عرصه بین‌المللی است.

«ژانگ گوا چینگ» با بیان اینکه به منظور پیگیری تفاهم‌های روسای جمهور دو کشور در قازان به ایران سفر کرده است، خاطرنشان کرد: ایران برای چین شریکی راهبردی و مهم است و نگاه خود به روابط با شما را بر مبنای گسترش و تحکیم روابط استراتژیک و بلندمدت تنظیم کرده‌ایم. از تشریک مساعی جمهوری اسلامی برای تعمیق روابط فیما بین خرسندیم و در عرصه روابط دوجانبه و نیز تعاملات دو کشور در سازمان‌های بین‌المللی همکاری‌های مفیدی برای مقابله با یکجانبه‌گرایی داریم.

به عنوان رئیس دولت، به دنبال اجرای توافق جامع با طرف چینی هستیم.

مسعود پزشکیان در دیدار «ژانگ گوا چینگ» معاون نخست وزیر چین با اشاره به گفتگوهای سازنده خود با رئیس‌جمهور این کشور در حاشیه اجلاس سران بریکس در قازان روسیه، گفت: همکاری‌های ایران و چین از گذشته‌های دور همواره دوستانه و صمیمی بوده و امروز نیز روابط دو کشور راهبردی است.

وی با بیان اینکه از نخستین روزهای آغاز فعالیت خود به عنوان رئیس دولت، به دنبال اجرای توافق جامع با طرف چینی هستیم، افزود: در دیدار اخیر با آقای «شی جین پینگ» تفاهم‌های خوبی داشتیم و سفر شما به تهران برای پیگیری این تفاهم‌ها نیز گواه عزم دولت چین برای گسترش روابط با ایران است.

رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه آمریکا در عرصه بین‌المللی به دنبال تمامیت‌خواهی و یکجانبه‌گرایی است، تصریح کرد:



رئیس‌جمهور با اشاره به گفتگوهای سازنده خود با رئیس‌جمهور چین در حاشیه اجلاس سران بریکس در قازان روسیه، گفت: از نخستین روزهای آغاز فعالیت خود

اوکراین از ارائه طرحی برای

فراخوان زنان به ارتش خبر داد

در گرماگرم کمبود نیرو در اوکراین و پیشروی‌های چشمگیر روسیه در جبهه‌های شرقی این کشور، پارلمان اوکراین از برداشتن نخستین گام‌ها برای فراخوان زنان به ارتش خبر داد. دمیترو راسومکوف نماینده پارلمان اوکراین از ارائه لایحه برای بسیج زنان در جنگ با روسیه خبر داد.

این نشریه آورده است که این اقدام پارلمان اوکراین همزمان با کمبود نیرو در بنبوچه پیشروی‌های چشمگیر و رکوردشکن روسیه در جبهه‌های شرقی صورت می‌گیرد. گزارش‌ها حاکی است براساس لایحه‌ای که در پارلمان اوکراین در دست بررسی است، زنان دارای شرایط مناسب سنی اجازه خدمت سربازی به عنوان سرباز وظیفه را دارند.

هرچند گفته می‌شود این لایحه مخالفانی نیز دارد؛ از جمله اداره اصلی علمی و کارشناسی «ورخونا رادا» (پارلمان تک مجلسی اوکراین) که اعلام کرده است ثبت نام زنان برای سربازی وظیفه پیش از آموزش آن‌ها، اقدام نامناسبی است. براساس قانون کنونی اوکراین، مردان بالای ۲۵ سال اجازه خدمت سربازی دارند و زنان نیز به صورت داوطلبانه می‌توانند به آن بپیوندند.

ماریانا بزوگولایا نماینده پارلمان اوکراین، در پستی در تلگرام، ضمن موافقت با این طرح، تغییر برای شروع به خدمت سربازی زنان را خواستار شد و نوشت: «در قانون اساسی دو نوع شهروند وجود ندارد. ما در حال حاضر علیه مردان تبعیض غیرقانونی داریم».

ورزش، حلقه مفقوده زندگی

روزمره البرزی ها

علیرضا ناظری

ورزش، همانطور که همه می‌دانیم، فقط سرگرمی نیست؛ یک نیاز است. نیاز به تحرک، نیاز به سلامتی، و حتی نیاز به فرار از روزمرگی‌های زندگی. اما آیا در استان البرز این نیاز به اندازه کافی پاسخ داده می‌شود؟ با نگاهی ساده به وضعیت زیرساخت‌های ورزشی این استان، پاسخ چندان امیدوارکننده نیست.

البرز، با جمعیتی که هر روز بیشتر از قبل در حال افزایش است، از کمبود جدی در امکانات ورزشی رنج می‌برد. سالن‌های ورزشی اندک، زمین‌های فوتبال خاکی که بیشتر شبیه بیابان هستند، و استخرهایی که باید برای استفاده از آن‌ها نوبت بگیری، همگی داستان تکراری و تلخ روزمرگی مردم البرز است. بیایید از آمار شروع کنیم. طبق گزارش‌ها، سرانه فضای ورزشی در استان البرز بسیار پایین‌تر از میانگین کشوری است. این به چه معناست؟ یعنی هر فرد در این استان، اگر بخواهد از امکانات ورزشی استفاده کند، باید یا در صف بایستد یا از خیر آن بگذرد. این کمبود نه تنها باعث کاهش فعالیت‌های ورزشی می‌شود، بلکه بر سلامت جسمی و روانی مردم نیز تأثیر منفی می‌گذارد.

وقتی صحبت از امکانات ورزشی می‌شود، برخی فکر می‌کنند این موضوع فقط برای قهرمانان یا ورزشکاران حرفه‌ای اهمیت دارد. اما حقیقت این است که ورزش یک حق عمومی است. نوجوانی را تصور کنید که دوست دارد فوتبال بازی کند، اما نزدیک‌ترین زمین فوتبال به محل زندگی‌اش کیلومترها فاصله دارد. یا مادری که می‌خواهد در کلاس‌های ورزشی شرکت کند، اما نه تنها هزینه‌ها بالا هستند، بلکه امکانات نیز محدود است.

این‌ها مشکلاتی واقعی و روزمره هستند.

کمبود زیرساخت‌ها، ورزش را از دسترس بسیاری از مردم خارج کرده است. نتیجه؟ افزایش کم‌تحرکی، چاقی، و حتی افسردگی در میان گروه‌های مختلف جامعه.

اهمیت زیرساخت‌های ورزشی را نمی‌توان دست‌کم گرفت. ورزش علاوه بر تأثیرات جسمی، تأثیرات اجتماعی و روانی گسترده‌ای دارد. ورزش به ما یاد می‌دهد که کار تیمی چیست، چگونه به هم احترام بگذاریم و با شکست کنار بیاییم. اما بدون زیرساخت، ورزش تبدیل به یک رؤیا می‌شود. یکی از مشکلات عمده البرز، کمبود زمین‌های ورزشی در مناطق حاشیه‌ای است. مناطقی که بیشترین نیاز را به این امکانات دارند، اغلب کمترین سهم را از آن‌ها می‌برند. اگر زمین‌های ورزشی مناسب در این مناطق وجود داشته باشد، نوجوانان و جوانان به‌جای پرسه زدن در خیابان‌ها، وقت خود را صرف ورزش می‌کنند.

شاید برخی بگویند توسعه زیرساخت‌های ورزشی هزینه‌بر است. اما آیا بهتر نیست به آن به چشم یک سرمایه‌گذاری نگاه کنیم؟ سرمایه‌گذاری روی سلامتی مردم، سرمایه‌گذاری روی آینده جوانان، و حتی سرمایه‌گذاری روی کاهش هزینه‌های درمانی. کشورهایی که در حوزه ورزش موفق هستند، فقط به خاطر قهرمانان خود نیستند. آن‌ها روی زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اند. برای مثال، هر محله یک زمین فوتبال یا یک سالن ورزشی دارد. در حالی که در البرز، داشتن یک باشگاه ورزشی استاندارد در نزدیکی خانه بیشتر شبیه یک امتیاز است تا یک حق.

اما راحل چیست؟ اولین قدم، افزایش بودجه اختصاص‌یافته به زیرساخت‌های ورزشی در استان است. دولت و شهرداری‌ها باید اهمیت این موضوع را درک کنند و برنامه‌های بلندمدتی برای توسعه این زیرساخت‌ها داشته باشند. علاوه بر این، بخش خصوصی نیز می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. ایجاد مجموعه‌های ورزشی خصوصی با قیمت‌های مناسب، یکی از راهکارهایی است که می‌تواند بخشی از این کمبود را جبران کند. همچنین، می‌توان از ظرفیت مدارس و دانشگاه‌ها استفاده کرد. مدارس و دانشگاه‌ها اغلب دارای سالن‌های ورزشی هستند که می‌توانند در ساعات غیرتخصصی در اختیار عموم قرار گیرند. اگر همین امروز برای حل این مشکل اقدام کنیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که در آینده نزدیک، استان البرز به استانی تبدیل شود که ورزش نه یک امتیاز، بلکه یک حق برای همه باشد. استانی که در آن هر کودک، نوجوان، و بزرگسال بتواند بدون دغدغه، به امکانات ورزشی دسترسی داشته باشد و زندگی سالم‌تری را تجربه کند.

از آتش نشانان نمونه مناطق سه، چهار و پنج عملیاتی تقدیر شد

«محمد یساولی» رئیس سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرج- از آتش نشانان نمونه مناطق سه، چهار و پنج عملیاتی تقدیر کرد. وی در این مراسم ضمن گرمیادداشت تلاش‌ها و زحمات آتش نشانان، اظهار داشت: تلاش گران این عرصه، جان خود را برای حمایت و دفاع از سلامت شهروندان به خطر می‌اندازند در زمره ایثارگران قرار دارند. آتش نشان‌ها مجموعه‌ای از افرادی هستند که جان خود را در طبق اخلاص قرار داده و همه هستی خویش را وقف جامعه می‌کنند تا برای ایمنی جامعه گام بردارند. شایان ذکر است در پایان با اهدا لوح سپاس و هدایایی از زحمات آتش نشانان نمونه مناطق سه، چهار و پنج تقدیر و تجلیل به عمل آمد.



۳ در شهر

دنیایک سوادار

شنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۳ شمارگان ۱۷۰۰

از (البرز) چه خبر؟



کوچکترین دین به آنان ادا شود.

مدیرکل بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس استان البرز گفت: از این هشت شهید گمنام سه شهید در شهرستان کرج در سه نقطه ۲۰ شهید در شهرستان فردیس در ۲ نقطه، ۲ شهید در شهرستان ساوجبلاغ در ۲ نقطه و یکی در شهرستان نظرآباد تدفین می‌شوند.

سردار «ابوالفضل اسلامی» با بیان اینکه این شهدا باید در مکانی تایید شده و با یادمان‌های انجام شده تدفین شوند، عنوان کرد: یادمان ۶ شهید ۱۰۰ درصد به اتمام رسیده و اگر ۷۰ درصد یادمان این شهدا انجام نشده باشد به هیچ عنوان شهدا تدفین نخواهند شد.

در تشییع پیکرهای مطهر هشت شهید گمنام چه گذشت؟

البرز در سوگ یاس نبوی

بوی دود اسپند و گلاب همه جا را فرا گرفته بود؛ مادرانی آمده بودند تا برای شهدا و قهرمانان گمنام مادری کنند؛ با نوازش تابوت‌های مزین به پرچم جمهوری اسلامی از این عزیزان به گرمی تمام استقبال شد؛ پدران سالمند فریاد خوش آمدید سر می‌دادند.

در این میان خانواده‌های شهدان گمنام نیز در این مراسم با شکوه با نگاهشان به دنبال گمشده‌های خود می‌گشتند و تابوت‌های شهدای گمنام را با اشک، آه و ناله می‌بوسیدند. شهیدان گمنام ۱۷ ساله، ۲۲ ساله، ۲۵ سال و، ۳۰ ساله رفته بودند تا از کبان ایران اسلامی به تمام وجود دفاع کنند و امروز روی دستان مردمی بودند که با تمام وجود قدرشناسی کردند.

افشار مختلف مردم استان البرز نیز به ویژه جوانان با حضور در دسته‌های سینه‌زنی برای این شهدا سنگ تمام گذاشتند. ساخت هشت یادمان برای شهدای گمنام البرز ساخت هشت یادمان برای نام جاودانه شهدای گمنام نشان قرار داده شد تا مامنی برای حضور دل‌های خسته باشند و

همزمان با سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا (س)، هزاران تن از عاشقان و دلباختگان خاندان عصمت و طهارت (ع) در استان البرز با اجتماع در شهرهای این استان به عزاداری و سوگواری پرداختند و در کرج نیز پیکرهای مطهر هشت شهید گمنام دفاع مقدس تشییع شد.

نوحه سرایان در آیین عزاداری فاطمی استان البرز به اجرای برنامه پرداختند و حضور پیکرهای مطهر شهدای گمنام نیز بر غم‌واندوه اجتماع حزن انگیز مردم این استان افزود.

شهدای گمنام دوران دفاع مقدس به عنوان کسانی که با الگو از نهضت فاطمی و عاشورایی به جنگ و جهاد در راه اسلام پرداختند و امروز با نیک نامی تمام، مردم عزادار آنان را در آغوش کشیدند.

مردم کرج نیز که از هشت صبح در میدان شهدا با قرائت زیارت عاشورا، دعای توسل ائمه اطهار (ع) به عزاداری برای دخت نبی اکرم (ص) پرداخته بودند با سر رسیدن پیکرهای مطهر این هشت شهید گمنام که فرزندان فاطمه (س) نام گرفته اند به استقبال آنان رفتند.

«فرمانده سپاه استان البرز»: تشییع پیکر شهدا آزمون عشق به آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی بود



تشییع پیکر مطهر شهدا فرصت ارزشمندی است که مردم البرز و به ویژه نسل جوان به زیبایی از آن بهره‌گرفتند.

بدرقه شهدا آزمون عشق به شهدا، ولایت و آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی بود که مردم استان البرز بار دیگر با حضور حماسی خود از این آزمون بزرگ و دشمن شکن سربلند بیرون آمدند و نقشی ماندگار در تاریخ به جا گذاشتند.

وی با بیان اینکه امروز مردم البرز برای شهدای گمنام پدری، مادری، خواهری و برادری کردند، افزود: حماسه مردم در بدرقه شهدا تجلی شکوه و همبستگی مردم در حراست از آرمان‌های شهدا بود و این نشان می‌دهد مردم با هر عقیده و دیدگاهی پای آرمان‌های شهدا استوار ایستاده‌اند.

فرمانده سپاه استان البرز با اشاره به اینکه فضای استان البرز از عطر شهدا عطرآگین شده است، خاطرنشان کرد: مراسم

فرمانده سپاه استان البرز مراسم تشییع پیکر مطهر شهدای گمنام را آزمون عشق به آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی دانست و گفت: مردم بار دیگر با حضور حماسی خود از آزمون بزرگ ولایت مداری و عشق به شهدا سربلند بیرون آمدند.

به گزارش «دنیای هوادار»، سردار سرتیپ دوم پاسدار علیرضا حیدرنیا فرمانده سپاه امام حسن مجتبی علیه السلام استان البرز در آیین تشییع پیکر ۸ شهید گمنام که صبح گذشته از میدان شهدای کرج تا مصلای امام خمینی (ره) این شهر برگزار شد، ضمن تسلیت سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) اظهار داشت: حماسه بزرگ مردم البرز در

«نماینده کرج» مجلس در انسجام‌بخشی به مشکلات مردم گام‌های موثر برداشته است

تصویب شد که ساخت یک میلیون مسکن را به دولت تکلیف می‌کند؛ کنترل و ساماندهی اجاره‌بهای مسکن و مالیات بر خانه‌های خالی و مالیات بر عایدی سرمایه چهار قانونی بود که در مجلس یازدهم برای ساماندهی مسکن انجام شد.

است. «علیرضا عباسی» در سخنان پیش از خطبه‌های این هفته نماز جمعه کرج افزود: اگر ما امروز در زمینه مسکن با مشکلاتی مواجه هستیم متاثر از کوتاهی‌هایی است که در گذشته صورت گرفته است. وی بیان کرد: قانون جهش تولید مسکن در مجلس یازدهم

نماینده مردم کرج، فردیس و اشتهارد در مجلس شورای اسلامی با گرمیادداشت فرارسیدن ۱۹ آذر سالروز شهادت شهید مدرس و روز مجلس گفت: خانه ملت در چهار سال گذشته تاکنون گام‌های موثری برای انسجام بخشی به مشکلات مردم به ویژه در بخش مسکن و جوانی جمعیت برداشته

ورود مدیریت شهری کرج به آموزش همگانی هوش مصنوعی



رئیس مرکز پژوهش‌ها و مطالعات راهبردی شورای اسلامی شهر کرج افزود: مقرر شد ابتدا باید مباحث آموزش همگانی به صورت پایه‌ای و اولیه در کارگاه‌های حضوری و غیرحضوری به شهروندان ارائه شود.

عضو شورای اسلامی شهر کرج بیان کرد: در بخش دوم مقرر شد شهروندانی که آموزش دیدند در صورتی که بخواهند به صورت عمقی به حوزه هوش مصنوعی وارد شوند دوره‌های تکمیلی برای آنان پیش‌بینی شود. وی تأکید کرد: دانشگاه آزاد اسلامی استان البرز در یک سال گذشته با تاسیس دانشکده هوش مصنوعی در این زمینه موفق عمل کرده و مدیریت شهری کرج برای آموزش همگانی از این ظرفیت علمی استفاده خواهد کرد.

اشاره به این مسئله افزود: در حوزه بحث آموزش شهروندی تکالیفی را به لحاظ قانونی داریم که در سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری کرج باید آن‌ها را دنبال کنیم. وی ادامه داد: امروز هوش مصنوعی بخش بزرگی از زندگی اجتماعی را در جهان تحت تأثیر قرار داده و بر همین اساس اهمیت موضوع ایجاب می‌کند تا در سطوح عمومی و تخصصی این مبحث را برای آموزش شهروندان با استفاده از امکانات مدیریت شهری دنبال کرد. اسدیان گفت: در حوزه آموزش شهروندی و هوش مصنوعی تکالیفی برای سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری کرج مشخص شده و باید در این حوزه چند کار اساسی صورت گیرد.

رئیس مرکز پژوهش‌ها و مطالعات راهبردی شورای اسلامی شهر کرج از برنامه ریزی مدیریت شهری این کلانشهر برای ورود به آموزش‌های همگانی و مدیریت شهری در زمینه هوش مصنوعی و فرهنگ شهروندی با همکاری مراکز آموزش عالی خبر داد. به گزارش «دنیای هوادار»، محمد اسدیان روز گذشته با

پروژه‌های نیمه تمام ورزشی

اصفهان به بهره‌برداری می‌رسند

اصغر قلندری

سرپرست اداره کل ورزش و جوانان استان اصفهان در جمع خبرنگاران اظهار داشت: تا پایان شهریورماه سال (۱۴۰۴) ۶۰ پروژه از مجموع ۷۵ پروژه نیمه تمام در اصفهان به مرحله بهره‌برداری خواهند رسید.

دکتر سیدمهدی صدری، سرپرست اداره کل ورزش و جوانان استان اصفهان درخصوص پروژه‌های نیمه تمام ورزشی در اصفهان گفت: با تعداد زیادی از پروژه‌های نیمه تمام در سطح استان مواجه هستیم که ۷۵ پروژه نیمه تمام ورزشی تنها در شهر اصفهان داریم که باید به بهره‌برداری برسند. وی با این اشاره که پروژه‌ای در بادرود ۲۳ سال پیش کلنگ‌زنی شده، گفت: کلنگ‌زنی خوب است و شیرینی و حلاوت خاص خود را دارد اما تأمین هزینه‌های ساخت و ساز با توجه به افزایش قیمت مصالح ساختمانی خیلی سخت شده و متأسفانه تأمین بودجه کافی برای تکمیل آن‌ها برای اداره کل مشکل ایجاد کرده است. دکتر صدری تصریح کرد: سعی داریم که با همین بضاعت کم و محدودیت‌های مالی بتوانیم پروژه‌ها را با کمک های مردم خیر تکمیل کنیم و از همین رو به یاری خدا استخر سرپوشیده خور و بیابانک در هفته دولت افتتاح خواهد شد. سرپرست اداره کل ورزش و جوانان استان اصفهان خاطرنشان کرد: تا پایان شهریور ماه سال آینده (۱۴۰۴) ۶۰ پروژه از مجموع ۷۵ پروژه نیمه تمام در اصفهان تکمیل خواهد شد؛ زیرا بخش کمک های مردمی را فعال کرده‌ایم تا با بهره گیری از این منابع بتوانیم پروژه‌های نیمه تمام را تکمیل کنیم و به مرحله بهره‌برداری برسانیم. وی افزود: برای انجام این مهم بودجه عمرانی را نیز نسبت به سال گذشته ۲ برابر افزایش داده ایم و امیدواریم بودجه مورد نیاز تأمین شود و با کمک‌های مردمی بتوانیم پروژه‌های نیمه تمام ورزشی اصفهان را به بهره‌برداری برسانیم.



«استاندار اصفهان»:

طرح‌های عمرانی با زمان بندی

دقیق اجرا شوند

استاندار اصفهان گفت: وجود مسایل، مشکلات و انتظارات مردم ایجاد می‌کند، مسایل شهرستان سمیرم بر اساس اولویت‌بندی، موضوع محوری، زمان‌بندی دقیق و تعیین زمان پایان پروژه‌ها پیش برود.

مهدی جمالی نژاد روز گذشته در حاشیه سفر به شهرستان سمیرم برای بازدید از پروژه‌های عمرانی منطقه یادانی سمیرم افزود: با توجه به مسایل و انتظارات مطرح شده و اولویت‌بندی و موضوع محوری پروژه‌ها باید مدنظر قرار بگیرد، به عنوان نمونه با توجه به اهمیت پروژه‌های آبی به عنوان محرک سایر پروژه ها، ضرورت دارد، طرح های مطالعاتی آن به سرعت تهیه شود و در اولویت قرار گیرد.

استاندار اصفهان تصریح کرد: از دیگر موضوعات قابل بررسی در شهرستان سمیرم موضوع صنایع تبدیلی است که با توجه به تولید ۷۰ درصد سیب استان در این شهرستان، برآورد می شود که راه اندازی چنین پروژه هایی بسیار سودآور باشد و شهرداری های این شهرستان می‌توانند نسبت به آن ورود پیدا کنند. جمالی نژاد خاطرنشان کرد: امکان در اختیار گذاشتن تسهیلات کم بهره برای اجرای طرح احداث صنایع تبدیلی نیز در شهرستان وجود دارد که در این زمینه از طریق سازمان همیاری شهرداری‌ها این موضوع پیگیری خواهد شد.

وی اظهار داشت: طرح احداث شهرک صنعتی برای منطقه سمیرم و نیز پرداخت وام کشاورزی از دیگر مطالبات این شهرستان است که قابل پیگیری هستند اما تأکید ما توجه به زمان بندی و تکمیل پروژه‌های نیمه تمام و اولویت دار است.

بررسی علمی برای گنجاندن واکسن HPV در برنامه ایمن سازی ملی آغاز شد

«علیرضا رئیسی» معاون وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی- گفت: بررسی‌های علمی و جمع‌آوری داده‌ها برای گنجاندن واکسن HPV در برنامه ایمن‌سازی ملی آغاز شده است. سال‌هاست که واکسن HPV به‌عنوان یکی از مؤثرترین روش‌های پیشگیری از این بیماری‌ها در بسیاری از کشورها به برنامه‌های واکسیناسیون ملی اضافه شده و این موضوع به‌طور جدی در ایران نیز در دست بررسی است. در زمان حاضر واکسیناسیون علیه HPV در بیش از ۱۴۰ کشور جهان انجام می‌شود. ادغام یک واکسن در برنامه کشوری ایمن‌سازی منوط به جمع‌آوری داده‌ها و توصیه‌های ملی و بین‌المللی و انجام مطالعات کشوری در مورد میزان بار بیماری، میزان بروز و شیوع و هزینه و اثربخشی واکسن است.



در هشتمین نشست تخصصی شهراورد مطرح شد؛

باغ‌های تهران قربانی درآمدزایی ناپایدار



«مشکلاتی مانند افزایش جمعیت، تراکم‌فروشی، آلودگی هوا، ترافیک و هدررفت منابع شهری از جمله چالش‌های اصلی تهران هستند. جمعیت تهران دیگر ظرفیت افزایش ندارد و هرگونه افزایش جمعیت می‌تواند فاجعه‌بار باشد.» او افزود: «توسعه بی‌رویه و تراکم‌فروشی منجر به تخریب باغ‌ها و فضای سبز شده است و مدیریت شهری باید این روند نادرست را متوقف کند».

ناپایداری درآمدها و ضعف مدیریت منابع

سلیمی با اشاره به ناپایداری درآمدهای شهری گفت: «درآمدهای کنونی عمدتاً از فروش تراکم و تخریب فضای سبز به دست می‌آید، درحالی‌که هزینه‌ها به‌صورت نادرست صرف می‌شود. به جای ترمیم هدفمند، کل خیابان‌ها مجدداً آسفالت می‌شود و منابع شهری هدر می‌رود».

او همچنین به کاهش اعتماد عمومی به مدیریت شهری اشاره کرد و گفت: «اگر تشکلهای مدنی قوی وجود داشته باشند، هیچ مدیری نمی‌تواند بدون مسئولیت‌پذیری تصمیمات نادرست بگیرد».

در پایان، مصطفی سلیمی بر لزوم بازنگری در سیاست‌های شهری، اصلاح مدیریت و توجه به نیازهای واقعی شهروندان تأکید کرد.

او خواستار برنامه‌ریزی علمی و دقیق برای حل بحران‌های موجود شد.

اجتماعی و پسماند است. با این حال، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها، نبود درآمد پایدار برای شهرداری‌ها است».

وی با مقایسه وضعیت ایران با کشورهایی همچون هلند گفت: «در حالی که کشورهایی مانند هلند با منابع محدود به درآمدهای کلان دست یافته‌اند، ما هنوز وابستگی زیادی به منابع نفتی داریم و از پتانسیل‌های انسانی و اقتصادی خود بهره‌برداری کامل نمی‌کنیم».

اعتماد به مردم و نقش آفرینی نخبگان

سلیمی آینده را متعلق به کشورهایی دانست که توانسته‌اند نخبگان و سرمایه‌های خود را جذب کنند. او افزود: «برای عبور از بحران‌ها باید به مردم اعتماد کنیم و امور را به بخش خصوصی واگذار کنیم تا رقابت و کیفیت در همه بخش‌ها افزایش یابد».

او همچنین بر اهمیت مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها تأکید کرد و گفت: «مردم باید در تمام حوزه‌ها نقش فعالی داشته باشند و بتوانند از پایین‌ترین تا بالاترین سطح نظرات خود را مطرح کنند. تنها حضور واقعی مردم است که می‌تواند تغییرات مثبت ایجاد کند».

وی افزود: «برای این هدف، باید بسترهای لازم برای فعالیتهای کانون‌ها، انجمن‌ها و NGOها فراهم شود. این نقش آفرینی نباید صرفاً نمایشی و ویتروینی باشد، بلکه باید واقعی و تأثیرگذار باشد».

لزوم کاهش هزینه‌های انتقاد و اظهار نظر

سلیمی به اهمیت تسهیل اظهار نظر و انتقاد در کشور اشاره کرد و گفت: «در بسیاری از کشورها شهروندان می‌توانند بدون نگرانی نظرات خود را بیان کنند، اما در کشور ما باید شرایطی ایجاد شود که از خودسانسوری و ریاکاری جلوگیری شود».

او همچنین بر اهمیت حفظ استقلال در فرآیندهای تصمیم‌گیری تأکید کرد و به نمونه‌هایی چون ماجرای واترگیت در آمریکا اشاره کرد که در آن پاسخگویی مسئولین تضمین شد.

نگرانی‌های تهران و چالش‌های مدیریت شهری سلیمی با بیان نگرانی‌های جدی درباره وضعیت تهران گفت:

تهران در لبه انفجار جمعیتی؛ انتقال پایتخت؛ مسیری به سوی آینده یا فرار از مشکلات؟

فرازاسدی

هر روز صبح، وقتی در دود و دم تهران چشم باز می‌کنیم، انگار با خودمان قرار گذاشته‌ایم که این شلوغی، ترافیک، آلودگی و کمبودها را بپذیریم. تهران، شهری که قرار بود قلب تپنده کشور باشد، حالا به معضلی بزرگ برای خودش و ساکنانش تبدیل شده است. اما آیا انتقال پایتخت می‌تواند نسخه شفابخش این همه مشکل باشد؟ یا صرفاً رویایی است که همیشه در میانه راه به بن‌بست می‌رسد.

مشکلات تهران دیگر برای هیچ‌کس پنهان نیست. از ترافیک قفل‌شده صبحگاهی تا صف‌های طولانی مترو، از بحران آلودگی هوا که روزهای پاک را به رؤیا تبدیل کرده، تا کمبود منابع آبی که نفس محیط زیست این استان را گرفته است. اما این فقط بخش کوچکی از چالش‌هاست. تهران به دلیل تمرکز بیش از حد امکانات، جمعیتی فراتر از ظرفیت خود را جذب کرده است. در کنار این، مشکلات اجتماعی مانند افزایش اتباع خارجی غیرمجاز، کمبود مسکن و زیرساخت‌های ناکافی، شرایط را پیچیده‌تر کرده‌اند.

ایده‌ای قدیمی، چالش‌هایی جدید

بحث انتقال پایتخت در ایران، ایده جدیدی نیست. سال‌هاست که هر وقت مشکلات تهران به نقطه جوش می‌رسد، این ایده دوباره به میان می‌آید. حتی در دهه ۱۳۷۰ و بعدتر، مطالعات مفصلی در این زمینه انجام شد؛ اما همیشه پای یک سؤال وسط بود: «این کار شدنی است؟»

اما ماجرا به این سادگی نیست. اول از همه، انتخاب محل مناسب برای پایتخت جدید مسئله بزرگی است. این مکان باید از نظر زیست‌محیطی، اقتصادی و امنیتی شرایط خاصی داشته باشد. دوم، هزینه‌های سرسام‌آور چنین پروژه‌ای است. احداث زیرساخت‌های جدید، جابه‌جایی نهادهای حکومتی و ساختن شهری که بتواند پایتخت کشور باشد، نیاز به بودجه عظیمی دارد که در شرایط اقتصادی فعلی ایران، تأمین آن آسان نیست.

علاوه بر این، منتقدان می‌پرسند که آیا انتقال پایتخت واقعاً به حل مشکلات تهران کمک می‌کند، یا فقط این چالش‌ها را به مکان دیگری منتقل می‌کند؟ آیا صرفاً با تغییر جغرافیایی پایتخت، می‌توان آلودگی هوا، ترافیک، یا کمبود منابع را حل کرد؟ یا این مشکلات، ریشه در سیاست‌گذاری‌های کلان‌تر و نحوه مدیریت شهری دارند که باید به آن‌ها پرداخته شود؟ عده‌ای معتقدند که به جای صرف بودجه‌های هنگفت برای

انتقال پایتخت، می‌توان با اصلاحات ساختاری و برنامه‌ریزی بهتر، تهران را به شهری قابل زندگی تبدیل کرد. توسعه حمل‌ونقل عمومی، کاهش تمرکزگرایی اداری، گسترش شهرهای اطراف برای جذب جمعیت اضافی و استفاده بهینه از منابع آب و انرژی، می‌توانند راهکارهایی باشند که بدون نیاز به تغییر مکان پایتخت، مشکلات فعلی را بهبود بخشند. انتقال پایتخت، ایده‌ای است که می‌تواند جذاب به نظر برسد، اما وقتی به جزئیات آن می‌پردازیم، با چالش‌هایی جدی مواجه می‌شویم. در شرایط اقتصادی فعلی کشور، اجرای چنین پروژه‌ای ممکن است غیرعملی به نظر برسد. اما از سوی دیگر، اگر برنامه‌ریزی دقیقی وجود داشته باشد و منابع به درستی تخصیص داده شوند، شاید این ایده بتواند آینده‌ای بهتر برای ایران رقم بزند. در نهایت، شاید مسئله اصلی این است که به جای نگاه کوتاه‌مدت و مقطعی به مشکلات تهران، نیازمند یک برنامه جامع و ملی هستیم؛ برنامه‌ای که نه تنها مشکلات پایتخت، بلکه چالش‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی کل کشور را هدف قرار دهد. انتقال پایتخت می‌تواند بخشی از این برنامه باشد، اما تنها به شرطی که از ابتدا تا انتها با دقت اجرا شود و همه جوانب آن در نظر گرفته شود.



«شکوه ایران باستان» به سین کیانگ چین رسید

نمایشگاه «شکوه ایران باستان» به سومین نمایش عمومی خود در سین کیانگ، پهناورترین استان چین رسید. نمایشگاه «شکوه ایران باستان» با حضور قائم مقام وزیر و معاون میراث فرهنگی کشورمان در موزه منطقه خودمختار اویغور سین کیانگ گشایش خواهد یافت. جبرئیل نوکنده رییس کل موزه ملی ایران در این باره گفت: ۲۱۱ اثر تاریخی و ۵ اثر بازآفرینی شده هنر و تمدن ایران با قدمتی از حدود سه هزار سال پیش تا دوره صفویه را برای مخاطبین نمایشگاه روایت خواهند کرد. این نمایشگاه پیش از این به مدت سه ماه در کاخ موزه شهر پکن پایتخت چین و همچنین به مدت چهار ماه در موزه شانگهای نظر دوستداران بسیاری را به فرهنگ، هنر و تمدن ایران جلب کرد و مقرر است تا ۱۶ اسفندماه ۱۴۰۳ در موزه سین کیانگ، بخش غربی سرزمین پهناور چین را با ایران آشنا کند.

شنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۳ شمارگان ۱۷۰۰

دنیایکسوادادار

فرهنگی

نشر

نگاهی به کتاب «همیشه همان ابرها» با کاوشی در زندگی و سینمای نوری بیلگه جیلان؛

هنر پرسه زنی میان انبوه جمعیت

محمدعلی محمدپور

«خانهٔ من هرجا که باشد، همانجا می‌توانم زندگی کنم. چه در پاریس باشد چه در دهات. خلوت خودم، کتاب‌هایم، موسیقی مورد علاقه‌ام. اگر این‌ها باشد فرقی نمی‌کند کجا باشم. در زندگی شهری فقط از یک چیز نمی‌توانم بگذرم؛ تنها ماندن در میان انبوه جمعیت؛ پرسه‌زدن. از احساس این نوع تنهایی لذت می‌برم».

(نوری بیلگه جیلان در گفت‌وگو با فاتح آرگونون، سال ۲۰۰۳، چاپ شده در کتاب)

نوری بیلگه جیلان، فیلم‌ساز اهل انزوا و سکوت ترکیه‌ای در کتابی که به‌تازگی از گفت‌وگوهایش در ایران ترجمه شده، از فیلم‌ها و زندگی‌اش می‌گوید. انتشار این کتاب برای علاقمندان به سینمای او غنیمت مهمی خواهد بود، چرا که بیلگه جیلان، فیلم‌ساز چندان اهل مصاحبه‌ای نیست و کمتر شده در رسانه‌ها از فیلم‌هایش حرف بزند. این شیوهٔ رفتاری بیش از هر چیز به نگاه او برمی‌گردد که معتقد است حقیقت در آن چیزی است که پنهانش می‌کنیم. و شاید این دربارهٔ خودش و فیلم‌هایش هم صدق می‌کند. به‌علاوه او در جایی، پاسخ دادش به پرسش‌هایی دربارهٔ فیلم‌ها و تناقض میان گفته‌هایش را رندانه به دستگیری سر صحنه جرم تعبیر می‌کند. این‌ها همه باعث می‌شود خواندن گفت‌وگوهای او بسیار لذت‌بخش باشد با این توضیح که این گفته‌ها قرار نیست چیز زیادی به درک و لذت ما از فیلم‌هایش اضافه یا از آن کم کند. بلکه فیلم‌ها بطور مستقل کار خودشان را می‌کنند و جیلان هم مستقل زندگی و تعبیرهای خودش را دارد.

در کتاب «همیشه همان ابرها» که با ترجمهٔ «محمد فهیمی» توسط نشر چشمه منتشر شده و حاصل گردآوری و ویراستاری مهمت اریلماز، دوست نزدیک جیلان است، گفت‌وگوها با سیر تاریخی و فیلم به فیلم تدوین شده‌اند. یعنی اولین گفت‌وگو مربوط به پس از اکران اولین فیلم بلند او «قصبه» در سال ۱۹۹۷ است و آخرین مطلبی که چاپ شده هم حاصل گفت‌وگویی با او پس از ساخت و نمایش فیلم آخرش «درخت گلابی وحشی» است. همین مسئله باعث شده، ضمن خواندن کتاب و پیش‌رفتن با آن، شاهد پخته‌تر و شخصی‌تر شدن جهان‌بینی او هم باشیم. جهان‌بینی‌ای که فیلم به فیلم گویی بیشتر شکل می‌گیرد و اثرش را بر فیلم‌های او هم می‌گذارد. انگار رابطه‌ای دیالکتیکی میان او و فیلم‌هایش برقرار می‌شود. یعنی همانطور که جهان‌بینی رشدیافتهٔ او بر فیلم‌های متأخرترش اثر مثبت می‌گذارد، خلق‌شدن هر فیلم هم که از ناخودآگاه این هنرمند آمده، به رشد نگاه او به جهان می‌انجامد. البته ویژگی مثبت او

او در میان اظهارنظرهایش بطور ضمنی انتقاد تندری را متوجه فیلم‌سازانی می‌کند که وجودشان از درون سرشار از تردید است (که البته طبیعی و درست است) اما ناباورانه و مزورانه تلاش می‌کنند در فیلم‌هایشان از باورهای قطعی و بدون تردید حرف بزنند. چیزی که مشخصاً داشتن صداقت با خویشتن است؛ همان چیزی که لازمهٔ زیست سالم یک هنرمند است.

قطعا این بوده که شهرت پیدا کردن و گرفتن نخل طلا و جایزهٔ بزرگ کن باعث نشده حس ناب خودش را در ارتباط گرفتن با پدیده‌ها و انسان‌ها از دست بدهد و می‌بینیم که او همچنان با هر فیلم، این تازگی را به اثبات می‌رساند. در راستای رشدی که بدان اشاره کردیم می‌توانیم به تجربه‌گرایی او هم به‌معنای واقعی‌اش- تاکید کنیم. این فیلم‌ساز در اوایل کارنامه‌اش بخاطر مشکلات مالی و امکانات کمی که در اختیار دارد، فیلم‌هایی کاملاً جمع‌وجور و با بازی اعضای خانواده‌اش می‌سازد درحالی‌که اغلب نقش‌های پشت دوربین را هم خودش برعهده دارد. اما ابایی ندارد که این تابوی استفاده‌نکردن از بازیگر حرفه‌ای را هم بشکند و در ادامهٔ کارش از بازیگران حرفه‌ای استفاده کند. در گفت‌وگوهای قدیمی‌تر که ابتدای کتاب آمده، او بارها از مزایای استفاده از بازیگر می‌گوید که حس‌های قابل باورتری را می‌توانند در فیلم ایجاد کنند. اما وقتی به فیلم‌های شناخته‌شده‌ترش می‌رسد اعتراف می‌کند که برای ادای دیالوگ‌های دشوار فیلم‌نامه‌های پر از دیالوگ «خواب زمستانی» و «درخت گلابی وحشی» بهتر دانسته از بازیگران حرفه‌ای و کاربلد که به‌خوبی با یکی دو بار خواندن آن‌ها را به خاطر می‌سپارند بهره ببرد.

اگر جیلان در «قصبه»، «اندوه ماه مه» و «دوردست» صاحب ایده‌هایی پراکنده و مینیمال بود که به یک کل منسجم تبدیل نشده بودند، ولی در آثار متأخرش همچون «روزی روزگاری آناتولی»، «خواب زمستانی» و «درخت گلابی وحشی» توانست روح جهان خودش را بر فیلم‌ها حاکم کند. به‌گونه‌ای که امروز با اطمینان می‌توانیم از سینمای متفاوت جیلان حرف بزنیم، که اگرچه طبق گفته‌های خودش متأثر از کبارستمنی و آنجلوپولوس و تارکوفسکی است اما امضای خود او در آثارش کاملاً نمایان است. او به‌خوبی توانسته در تمام فیلم‌هایش، تجربهٔ زیسته خودش را به‌شکل‌های گوناگون وارد قصه‌ها و خوی آدم‌هایش کند. به‌عبارتی به‌معنای واقعی حالا می‌توانیم جیلان را یک فیلم‌ساز مولف بنامیم. مولف بودنی که به‌معنای درست آن، کاملاً مسئله و دغدغهٔ این کارگردان است. او در جایی از کتاب، دربارهٔ مولف‌بودن می‌گوید: «وقتی از سینمای مولف حرف می‌زنیم قرار نیست همه‌چیز متعلق به یک‌نفر باشد. اما او همه‌چیز را وارد جهان خودش می‌کند. نام‌هایی را در نظر بیاورید که هیچ تردیدی در مولف بودن‌شان نداریم. کسانی مثل تارکوفسکی، آنتونیونی، سای مینگلیانگ و آنجلوپولوس. می‌بینیم که این‌ها هم بارها فیلم‌نامه‌هایشان را با دیگران نوشته‌اند». و این حرفی است که بطور عملی، آن را در کار خود جیلان می‌بینیم. دوربین او، میزانش‌هایش، انتخاب لوکیشن‌ها، بازی که از بازیگران می‌گیرد و تدوین فیلم‌هایش همه و همه چیزهایی هستند که برای او کاملاً شخصی شده‌اند. نکتهٔ جذاب دیگری که در شخصیت جیلان وجود دارد و او به صراحت در کتاب «همیشه همان ابرها» از آن سخن می‌گوید و حتی ما را غافلگیر می‌کند چیزی است که از آن به «هنر بچه بد بودن» تعبیر می‌کند. جیلان در پاسخ به پرسشی دربارهٔ فیلم «اقلیم‌ها» که شخصیت اولش، یکی از نزدیکترین کاراکترها به خود اوست (خود جیلان آن را بازی می‌کند و نقش مقابلش هم همسر واقعی‌اش است و ضمناً شخصیت اصلی همانند خود او عکاسی می‌کند) و در آن رویکرد اعتراف‌گونه‌ای از خودش نشان می‌دهد، می‌گوید: «وقتی شخصیتی شبیه خودتان را در فیلم‌تان قرار می‌دهید، اگر به او کمی جنبه‌ی ضدقهرمانانه ندهید، ممکن است تماشاگر عصبانی شود. باید جنبه‌های منفی شخصیت‌تان را پررنگ‌تر کنید تا برای تماشاگر پذیرفتنی باشد وگرنه با خودشان می‌گویند: یارو را ببین. چه

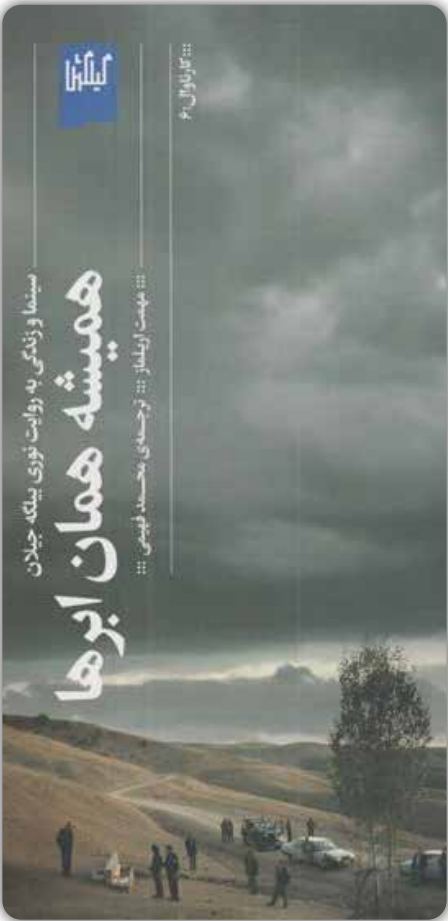
از خودراضی است!» اگر فیلم اقلیم‌ها را دیده باشید کاملاً این موضوع را حس می‌کنید که فیلم‌ساز ابایی ندارد صفات و رفتارهای اعصاب خردکن و منفی بر روی شخصیت شبیه به خودش بگذارد. در واقع اینجا هنر، جنبه‌ای اعتراف‌گونه پیدا می‌کند و گویی هنرمند، خودش را میان نماهای فیلم تحت فشار قرار داده و بدینوسیله با اعتراف‌کردن، خودش را سبک می‌کند. همان‌کاری که شاید بسیاری مولفان و نویسندگان بزرگ از جمله چخوف و داستایوفسکی هم در آثار ماندگارشان کرده باشند.

او در میان اظهارنظرهایش بطور ضمنی انتقاد تندری را متوجه فیلم‌سازانی می‌کند که وجودشان از درون سرشار از تردید است (که البته طبیعی و درست است) اما ناباورانه و مزورانه تلاش می‌کنند در فیلم‌هایشان از باورهای قطعی و بدون تردید حرف بزنند. چیزی که مشخصاً نداشتن صداقت با خویشتن است؛ همان چیزی که لازمهٔ زیست سالم یک هنرمند است. جیلان همچنین از جریان‌های چپ افراطی که می‌خواهند فیلم‌سازان، مستقیماً در فیلم‌هایشان دربارهٔ مسائل روز سیاسی و جاری جامعه حرف بزنند هم انتقاد می‌کند و می‌گوید خودش ترجیح می‌دهد بجای اشارات مستقیم به وقایع روز و جریان‌های سیاسی، آن‌ها در پس‌زمینه فیلم‌هایش دیده شوند.

وامدار بودن جیلان به ادبیات و بطور ویژه چخوف و داستایوفسکی و ایسن چیزی نیست که قابل‌انکار باشد و خود این فیلم‌ساز هم بارها آن را در گفت‌وگوهایش عنوان می‌کند. او مشخصاً در «خواب زمستانی» که فیلم‌نامهٔ آن را بطور مشترک با همسرش ابرو نوشته، از دو داستان «همسر» و «آدم‌های سخت» چخوف نام می‌برد که برای نگارش فیلم‌نامه از آن‌ها اقتباس کرده‌اند. با تماشای هر کدام از فیلم‌های این فیلم‌ساز موج نوی ترکیه بوضوح متوجه می‌شویم که گویی او جهان را از فیلتری چخوفی می‌بیند. آدم‌های جیلان همچون شخصیت‌های داستان‌های نویسندهٔ شیر روس، در نگاه اول ظاهراً در زندگی‌های چندان پیچیده‌ای زیست می‌کنند اما با کمی تأمل متوجه می‌شویم هر کدام درگیر موقعیت پیچ در پیچ و بغرنجی هستند. آدم‌هایی که هر کدام با ترس‌ها، سرگردانی‌ها و خشم‌های مخصوص خودشان درگیر هستند.

آن‌ها رویاهایی ناکامی درون‌شان دارند اما جهان بیرون، حسابی موجب سرخوردگی‌شان شده است. فیلم‌سازی جیلان گویی تماماً قصه پرسه‌زنی این آدم‌های تنها و سرگردان است که امکان سازگاری با جامعه و جهان‌شان را ندارند. تأثیرپذیری این هنرمند از دنیای چخوف تنها محدود به فیلم‌سازی نمی‌شود و همان‌طور که خودش می‌گوید حتی آنتوان چخوف به او برای بهتر زندگی کردن کمک کرده است. تأثیرپذیری جیلان از ادبیات در سیر کارنامه‌اش هم با هر فیلم خودش را بیشتر نشان داده است. بطوری که او از فیلم‌های اولش که اکثراً بدون فیلم‌نامهٔ منسجم و دقیق بیشتر سر صحنه و روی میز تدوین شکل می‌گرفتند (او حتی یکبار می‌گوید اگر فیلم‌نامهٔ منجسم نداشته باشد احساس راحتی بیشتری می‌کند!) به سه‌فیلم آخرش می‌رسد که همچون رمان‌ها و نمایش‌نامه‌ها سرشار از دیالوگ هستند. جیلان البته این را اتفاقی تحمیلی و خودخواسته نمی‌داند و می‌گوید شاید در آینده قصه‌هایی داشته باشد که این رویه را تغییر دهد و دوباره فیلم‌های کم‌دیالوگ و بیشتر مبتنی بر تصویر بسازد.

یک ویژگی قابل تحسین جیلان که در قسمت‌های مختلف گفت‌وگوها در کتاب به چشم می‌خورد صراحت و صداقت او در پاسخ دادن به پرسش‌های دربارهٔ فیلم‌هایش است. مثلاً گاهی



روزنامه‌نگارانی که با او مصاحبه می‌کنند تفسیرهای عجیب و رازآمیز از مولفه‌های داخل فیلم‌هایش دارند اما او خیلی راحت توجیه منطقی که موجب آن برداشت شده را توضیح می‌دهد. به‌عنوان مثال وقتی از او دربارهٔ نماهای نزدیک زیاد استفاده شده در فیلم «سه‌میمون» نسبت به باقی فیلم‌هایش می‌پرسند، خیلی صادقانه پاسخ می‌دهد: «راستش خیلی به این موضوع فکر نکرده‌ام. خانه‌ای که در آن فیلم‌برداری می‌کردیم کوچکتر از این حرف‌ها بود. خیلی مواقع برای‌مان ممکن نبود که دوربین را کمی دورتر ببریم». یا وقتی او دربارهٔ نورپردازی متفاوت در نماهای جاده‌ای «روزی روزگاری آناتولی» می‌پرسند او توضیح می‌دهد که در آن فضای تاریک شب چاره‌ای جز استفاده از نور غیرطبیعی نداشته است. همچنین وقتی دربارهٔ نقش آب و هوا و زمستان‌های برفی در برخی فیلم‌هایش از او می‌پرسند، از آن تفسیری فرامتنی ارائه نمی‌دهد و صرفاً می‌گوید مجبور بوده‌اند در آن برهه زمانی با آن آب و هوا خودشان را وفق بدهند و حتی فیلم‌نامه را طبق آن تغییر بدهند.

برگردیم به نقل‌قول ابتدای این مطلب که از شفاف‌ترین و صریح‌ترین اظهارات جیلان دربارهٔ شخصیت خودش است. کسی که بیشتر در محل زندگی خودش یعنی روستای ینیجه چاناک کاله و استانبول که به‌خوبی جغرافیا و مردمش را می‌شناخته، فیلم ساخته و هرگز مرعوب لوکیشن‌ها و مناطق مختلف نشده تا بخواهد آنجا فیلم بسازد. چرا که مسئله‌اش پیش و بیش از هر چیز انسان‌ها و قصه‌هایشان بوده است. و استفاده از تجربه‌ها و علایقی که به‌خوبی آن‌ها را زندگی کرده و می‌شناسد. او ویژگی لازم یک هنرمند خوب را دارد. اینکه خوب بلد است میان آدم‌ها پرسه بزند، خوب بلد است تماشا کند، خوب بلد است انسان ببیند و همین موجب می‌شود وقتی شخصیتی را جلوی دوربین خلق می‌کند و نتیجه‌اش را روی پرده می‌بینیم باورشان کنیم. چیزی که بی‌شک نتیجه انتخاب انزوا و تنهایی در عین میان جمع و جامعه بودن نوری بیلگه جیلان است.

قلم‌هایی به آسمان پرکشیدند



این حادثه نه تنها یک سانحه بود، بلکه درسی بزرگ برای ما به جا گذاشت؛ درسی از اهمیت و خطرات حرفه خبرنگاری. اصحاب رسانه، روایت‌گران تاریخ زنده‌اند. آن‌ها با عبور از مرزهای خطر، صداهای خاموش را می‌شنوند و حقایق نادیده را ثبت می‌کنند. روزنامه‌نگاران حاضر در آن پرواز، برای پوشش یک رزمایش نظامی عازم بودند؛ اما هرگز به مقصد نرسیدند. مقصدشان، حقیقت بود و راهشان، پروازی ناتمام. حادثه

هر سال، در این روز تلخ و پرمعنا، گرامیداشت این عزیزان فرصتی است تا نه تنها یادشان را زنده نگه داریم، بلکه قدر خبرنگاران زنده را نیز بدانیم. باید از یاد نبریم که آن‌ها برای شفافیت و آگاهی جامعه، از خواب و آرامش خود می‌گذرند. گاهی لازم است تنها چند لحظه سکوت کنیم و به یاد بیاوریم که چه جان‌هایی برای ثبت حقیقت داده شده است. یادآوری حادثه سی‌و‌یکم به ما نشان می‌دهد که جامعه بدون خبرنگاران،

پس، در این روز، نه تنها به یاد آن عزیزان باشیم، بلکه تلاش کنیم تا راهشان را ادامه دهیم. با ارج نهادن به خبرنگاران، با حمایت از امنیت حرفه‌ای آن‌ها، و با ارزش قائل شدن برای حقایق، که به ما می‌رسانند. پرواز آن‌ها ناتمام ماند،

اما مسئولیت ماست که روایتشان را ادامه دهیم. آن‌ها برای آگاهی پرواز کردند، و امروز وظیفه ماست که نور آگاهی را زنده نگه داریم.

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج

۱۸۴۱۳۹۵. سند
اداره ثبت اسناد

تاریخ انتشار نوبت اول: ۳۰ آبان ماه ۱۴۰۳

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج



مصر به کشتی گیران ایران ویزا نداد

تیم منتخب کشتی فرنگی ایران بدلیل عدم صدور روادید از سوی مصر، نتوانست عازم تورنمنت ابراهیم مصطفی در این کشور شود. فدراسیون کشتی برای اعزام تیم منتخب کشتی فرنگی به رقابت های جام ابراهیم مصطفی اقدام به ثبت نام در این مسابقات، درخواست روادید و تهیه بلیت کرده بود و با توجه به عدم به موقع صدور روادید با متحمل شدن هزینه اضافه، نسب به تغییر بلیت نیز اقدام کرده بود. اما در نهایت با توجه به اینکه دفتر حفاظت منافع جمهوری عربی مصر در ایران هماهنگی لازم با وزارت امور خارجه و فدراسیون این کشور نداشت تنها روادید ۲ مربی، ۱ کشتی گیر و ۱ داور صادر شد و برای ۹ کشتی گیر دیگر ایران روادید صادر نشد تا تیم منتخب کشتی فرنگی ایران قادر به حضور در این مسابقات نباشد.

شنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۳ شمارگان ۱۷۰۰

دنیایکسوادادار

ورزشی

ذره بین

جرخه معیوب زیرساخت ها و سیاست های فوتبالی ایران ذره بین «دنیای هوادار»؛

خیال خام ملی فوتبال

حسن صانعی پور

نگاه ایران به فوتبال یک نگاه ناقص است. کافی است آمار و کیفیت و همچنین نحوه بازی نمایندگان ایران در لیگ فوتبال آسیا اعم از لیگ نخبگان و لیگ سطح دو را ملاحظه کنیم. کافی است ریز و درشت فوتبال ملی از رده های پایه تا تیم ملی بزرگسالان را تحلیل و بررسی کنیم، تا به این مهم برسیم. «تشخیص این موارد گاهی به کارشناسی نیز نیاز ندارد». با این حال مسیر فوتبال ایران مسیر مناسبی برای رسیدن به اهداف مورد نظر جامعه فوتبال این کشور نیست. در این خصوص مقالات و مطالب متعددی نیز در رسانه های مختلف نوشتاری، دیداری و شنیداری منتشر شده و هرگز مورد التفات قرار نگرفته است. هر از گاهی نیز طرحی و برنامه ای توسط کارشناسان ارائه شده اما در لابلای هزارتوی مشکلات فوتبال ایران به فراموشی سپرده می شود. به جرأت باید گفت: اکثر مدیران ما در خط مشخص و معینی حرکت نکرده و برنامه های هر یک از آنان از یک طرف بام سقوط کرده و به بن بست رسیده است.

نگاه ویژه به زیرساخت ها

یک نمونه بارز در خصوص تعلل مسئولان در عدم توجه به زیر ساخت ها، اوضاع و احوال ورزشگاه بزرگ آزادی است. «ورزشگاهی که هرچند در حال بازسازی است و احتمالا در پایان سال جاری به بهره برداری مجدد خواهد رسید» اما پرسش اینجاست: چرا باید توجه به ورزشگاه قدیمی ایران اتقدر دیر انجام پذیرد که برای بازسازی آن زمانی طولانی لازم باشد؟ چرا نباید ورزشگاهی در حد و اندازه این ورزشگاه در پایتخت احداث شود؟ چرا دو باشگاه بزرگ ایران نباید در طول این سال ها ورزشگاه اختصاصی داشته باشند؟ چرا باید تمام بازی های ملی و دیدارهای داخلی و بین المللی دو باشگاه استقلال و پرسپولیس به تمامی در این ورزشگاه برگزار گردد؟ این جریان در مقیاسی وسیع در تمام ورزشگاه ها و در تمام استان ها و شهرستان ها در خصوص ورزشگاه های موجود وجود دارد. علت اصلی و غایی این معضل فقدان نگاه ویژه به زیرساخت های مربوط به فوتبال است. زیرساخت هایی که منحصر به احداث چند ورزشگاه و یا ترمیم ورزشگاه های فرسوده نشده و باید طرح جامع و برنامه کوتاه و بلند مدتی در این خصوص تدوین و توسط متخصصان امر عملیاتی گردد. «نکته ویژه این موضوع، برنامه ریزی و حضور متخصصان است». برنامه ریزی در این خصوص نیز بی گمان محتاج نگاه ملی است و حضور متخصصان نیز باید بدون گزینش و توجه به موضع گیری های موجود باشد.

انقلاب باشگاهی

شیوه کنونی مدیریت باشگاه ها «چه باشگاه های بزرگ و چه باشگاه های کوچک» نامناسب و حتی اشتباه است. به تعبیری مدیریت دولتی و نیمه دولتی «خصوصیتی» مدیریت هزینه و زودگذری است که تمام مناسبات آن با تغییر مدیر و رؤسای باشگاه تغییر کرده و به قولی در وضعیت یک گام به جلو و دو گام به عقب قرار دارد. نمونه بارز این وضعیت نیز سرخابی های ایران هستند که نه تنها قادر نیستند مشکلات مربوط به تیم فوتبال خود را مرتفع سازند که حتی شکل و شمایل یک باشگاه نیمه استاندارد را نیز ندارند. «در تعریف باشگاه استاندارد آمده است: باشگاه به موسسه ای اطلاق می شود که توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی با هدف تعلیم و تعمیم سلامت جسمی و روحی افراد جامعه مبتنی بر اصول علمی و ارزش های اسلامی، ایجاد فضای کسب و کار و به دست آوردن رتبه و مدال در یک یا چند رشته ورزشی مطابق ضوابط فنی و عمومی تعیین شده با مجوز وزارت تأسیس و فعالیت می کند». به موارد ذکر شده باید تأسیس پایگاه های همنام در سطح کشور، تأسیس آکادمی های متعدد،



مناسبی برای کمک به فوتبال در آن دیده نمی شود.

نقاط گرم، نقاط سرد

در نقشه جغرافیایی فوتبال ایران نقاطی موسوم به نقاط گرم و سرد و حتی کم اثر دیده می شود. مناطقی که بلحاظ داشتن پتانسیل و درونمایه فوتبال غنی هستند. «همچون خوزستان و چند منطقه دیگر». مناطقی که در این حوزه فقیر هستند و دست آخر مناطقی که در این زمینه متوسط هستند. پُر واضح است که نگاه اهالی فوتبال بخصوص متولیان امر به نقاط گرم و سرد فوتبال ایران باید متفاوت باشد. ابتدا ایجاد پایگاه ها با عناوین مختلف و سرفصل های متفاوت مد نظر است. در مرحله دوم مسیر پیشرفت استعدادها نیز باید مورد توجه و صیانت مسئولان ذی ربط واقع شود. مسلم است که برنامه فدراسیون و متولی فوتبال در هر استان و در مناطق گوناگون بر حسب میزان پتانسیل منطقه «گرم و سرد و متوسط» باید متفاوت و با تغییراتی تدوین و اجرا شود. معمولا برنامه های اجرایی فوتبال ایران توجه منطقه و درستی به این مناطق نداشته و به همین دلیل خروجی نهایی این برنامه ها به پایین ترین حد خود رسیده است.

طرح ملی فوتبال

برای نجات فوتبال ایران از وضعیت کنونی باید طرح ملی فوتبال ایران برنامه ریزی و به سرعت اجرا شود. برای اجرای این طرح اولین گام به رسمیت شناختن استقلال فوتبال و سازمان آن است. گام اول در اجرای این استقلال، ایجاد طرحی توسط کارگروه اختصاصی و ارسال آن به مجلس شورای اسلامی می باشد. گام دوم خروج دولت از پرداختن به فوتبال است. سومین گام بازنگری در مناسبات مشترک اقتصادی بین فوتبال و سایر نهادهاست که باید به نتیجه ای درست برسد. پیش نیاز همه این موارد جدی گرفتن فوتبال به عنوان یک جریان تأثیرگذار و تعیین کننده است. بعد از تصویب طرح استقلال فوتبال که البته باید مطابق قانون اساسی و شرایط بومی ایران باشد، آنگاه با تشکیل کارگروه های مختلف در موضوعات گوناگون در دو بازه زمانی کوتاه و بلند مدت فوتبال ایران به ابتدای راهی خواهد رسید که آن را فوتبال حرفه ای می نامند.

انتخابات فدراسیون فوتبال صرفا بدنبال تغییر مدیریت هستند. اما گذشته نشان داده است که تغییر افراد مشکلی را حل نکرده و یقینا حل نخواهد کرد. «تغییرساختار مهم است». به همین دلیل حساسیت های زیادی از دو جبهه موافق و مخالف از قدیم تا کنون دیده و شنیده شده است. بی گمان فعالیت هایی نیز در خصوص انتخاب در پشت پرده وجود دارد. فعالیتی که گاهی به بهانه ثبات، ورود نیروهای کارآمد اما مخالف را غیرممکن کرده است. فعالیتی که به یقین با تغییرات احتمالی، موجب حذف افراد کارآمد مجموعه قبل خواهد شد. به تعبیری باید گفت به علت ضعف ها و کمبودها در حوزه مدیریت فوتبال، جامعه فوتبال ایران بیشتر از اینکه در اندیشه تغییر افراد باشند باید در اندیشه تغییر ساختار و فراهم نمودن زمینه حضور متخصصان و ایدپردازانی باشند که دغدغه حقیقی فوتبال ایران را دارند.

تشکیل سازمان پیشکسوتان

در حال حاضر پیشکسوتان در مدیریت فوتبال کشور یا نقشی ندارد، یا نقش آنان به دلیل عدم تعریف مناسب، کم رنگ و گاهی متضاد است. این در حالی است که بسیاری از باشگاه های بزرگ دنیا زمینه فعالیت پیشکسوتان را در حوزه های مختلف فراهم کرده و در نهایت فدراسیون ها نیز با تشکیل کمیته های گوناگون از تجربه بی نظیر آنان استفاده می کنند. اما آنچه از حضور پیشکسوتان فوتبال ایران در بدنه مدیریتی این رشته دیده می شود همچون دیگر مقوله ها ناقص و گاهی گزینشی است. به همین دلیل تشکیل سازمان پیشکسوتان فوتبال با حضور مردان و زنانی که توانایی مدیریت در این حوزه را دارند و فارغ از حساب و کتاب های معمول این چند ساله بدنبال تغییرات مثبت هستند، ضروری به نظر می رسد. سازمانی مستقل با تشکیلات گسترده که پیشکسوتان دارای انگیزه را شناسایی و توانایی های آنان را رصد کرده و برحسب این توانایی وظایف و سرفصل های فعالیت آنان را تعیین نماید. آنچه در جامعه امروز پیشکسوتان بیشتر از هر چیزی دیده می شود، همراهی یا انتقادات احساسی و رودریاستی هایی است که در نهایت هیچ تأثیری در روند پیشرفت فوتبال نداشته و ندارد. البته انجمن ها و گردهمایی هایی نیز توسط پیشکسوتان تشکیل شده اما برنامه

بازسازی شرایط داوری

آیا تا بحال به این نکته توجه کرده اید که چرا هنوز حجم اعتراضات مربیان، بازیکنان و هواداران به نحوه داوری در ایران کاهش نیافته است؟ «گاهی احساس می شود دامنه اعتراضات بیشتر شده است». فوتبال ایران بعد از بازنشسته شدن نسل طلایی داوری که آخرین حلقه آن علیرضا فغانی است، دچار رکود شده است. البته تعدادی از داوران حال حاضر فوتبال ایران شرایط استاندارد داوری را داشته و در دیدارهای بین المللی نیز قضاوت های قابل قبولی را ارائه می دهند. اما آنچه باید مورد توجه و تحلیل و بررسی قرار بگیرد اینکه فضای داوری ایران، فضایی پیش رونده و پویا نیست. این در حالی است که در دهه اخیر با وجود امکانات ارتباطی جدید، باید شاهد پیشرفت قابل توجهی در این حوزه باشیم. اما آنچه بیشتر از هرچیزی در این سال ها دیده و شنیده شده است، رشد کمی و بی رویه داوری است. داورانی که موفق به گذراندن دوره های مختلف داوری شده اند اما کیفیت و از همه مهم تر روانشناسی مقوله مهمی چون داوری را به اندازه کافی آموزش ندیده اند. گاهی این احساس وجود دارد که آیت های اقتدار در داوری تغییر کرده است. بازدارندگی و مدیریت در طول یک بازی به پایین ترین حد خود رسیده است. «البته باید اعتراف کرد که این جریان در فوتبال آسیا و حتی جهان هم به نوعی دیده شده و اپیدمی جهانی دارد». با این وصف باید در اندیشه بازسازی شرایط و وضعیت داوری باشیم. «بی گمان داوری یک مقوله مقدس و حساس است و باید آیت های ورود و فعالیت در آن تغییر کرده و نیروهایی وارد این مقوله شوند که فلسفه داوری را به تمامی درک کرده باشند.

تغییر اساسی در مدیریت ها

شنیده شده است تغییراتی در نحوه انتخاب رؤسا و مدیران فدراسیون ها ایجاد خواهد شد. طرح تعیین سرپرست بعد از اتمام دوره مدیریت فدراسیون ها نیز در همین راستا مطرح شده است. «طرح خامی که باید درخصوص اجرای آن وسواس بیشتری به خرج داد». اصولا طرح چنین موضوعاتی نشان از تخلفات پنهان و کنترل نشده ای دارد که اگر حل نشود در پروسه تعیین سرپرست نیز شاید اتفاق بیفتد. بدون تعارف باید اعتراف کرد، جمعیت کثیری از مدیران حال حاضر حوزه فوتبال ایران ناکارآمد هستند. این ناکارآمد بودن نیز علی الدوام نحوه گزینش، میزان اختیارات، چینش سلیقه ای چارت ها و حتی مبهم بودن وضعیت اقتصادی در این مدیریت ها اوضاع را پیچیده کرده است. یک مدیر در بدو کار باید دنبال افرادی بگردد که ابتدا او را در مسائل اقتصادی یاری رسانده و سپس وی را در مدیریت مجموعه کمک کنند. جذب اینگونه افراد که قرار است کمک مالی نیز بکنند، مقرون به فساد است. از طرفی ملاحظه می شود تمایلات جناحی نیز تأثیر بسزایی در نحوه انتخاب و گزینش مدیران ارشد و زیرمجموعه داشته و رأس هرم اغلب بیشتر از آنکه دنبال کارآمدترین نیروها باشد، به سراغ حامی ترین افراد می رود. پُر واضح است که در این شرایط باید بدنبال تغییر اساسی در نحوه انتخاب مدیران و اصولا مدیریت بود.

فدراسیون و حساسیت ها

جمعیت زیادی در حال حاضر و با توجه به نزدیک شدن به



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهرداد تیموری

سر دبیر: مهدی تیموری

مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

صفحه آرا: امیر بیات

تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ تلفن - نمابر: ۳۴۴۹۹۲۵۵ چاپ: کهن

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

کاندیدای بازرسی اتحادیه نانوایان کلانشهر کرج

لیسانس حقوق

مبارزه بارانت

تعامل سازنده با دستگاه های دولتی

واتحادیه های سایر استانها

جلسات مستمر با نانوایان استان



مرتضی محمدی

آگهی مناقصه عمومی از طریق سامانه ستاد - نوبت دوم



شهرداری فردیس در نظر دارد پروژه های ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به متقاضیان واجد حداقل شرایط به شرح ذیل واگذار نماید (مشروح شرایط در اسناد مناقصه و مزایده درج شده است) لذا متقاضیان می توانند از تاریخ انتشار آگهی (چاپ اول) تا ساعت ۱۴:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۱۷ جهت خرید اسناد مناقصه و مزایده به سامانه الکترونیک دولت (ستاد) مراجعه نمایند. ۱- مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان هزینه خرید اسناد می بایست به حساب ۴۰۰۸۱۹۶۸۸۶۴۵ به نام شهرداری فردیس از طریق سامانه الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir واریز گردد ۲- شرکت کنندگان می بایست نسبت به تحویل (صرفاً پاکت

الف) اصل ضمانت نامه یا فیش واریز نقدی به شماره حساب ۱۰۰۸۲۳۰۰۴۱۳۹ تا پایان وقت اداری ساعت ۱۴:۳۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۷ سه شنبه به آدرس فردیس بلوار شهید سلیمانی- روبه روی پارک منظره شهرداری فردیس واحد امور پیمان ها اقدام نمایند و هم زمان پاکت الف- ب و ج در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) بارگذاری نمایند. ۳- در صورت بروز هرگونه تناقض در موارد مندرج در آگهی یا سامانه ستاد، ملاک عمل سامانه ستاد خواهد بود ۴- پیشنهادات رسیده در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۸ در کمیسیون عالی معاملات شهرداری فردیس مطرح و پس از بررسی و کنترل برنده مناقصه اعلام خواهد شد ۵- هرگاه برنده مناقصه از انجام معامله خود داری کند یا پس از ابلاغ قانونی حداکثر تا هفت روز حاضر به انعقاد قرار داد نشود سپرده وی به نفع شهرداری ضبط و قرارداد با نفر دوم منعقد خواهد گردید و در صورتی که برندگان دوم و سوم نیز ظرف مدت هفت روز پس از ابلاغ قانونی حاضر به عقد قرارداد نشوند سپرده آنان نیز به نفع شهرداری ضبط خواهد شد شهرداری در رد یا قبول یک یا کلبه پیشنهادات پیمانکاران ذیصلاح مختار می باشد ۷- هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد. ۸- به پیشنهادات فاقد سپرده، سپرده های مخدوش، سپرده های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از مدت مقرر این آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد. ۹- جهت کسب اطلاعات بیشتر به محل شهرداری فردیس مراجعه نمایید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰

ردیف	شرح عملیات	بر آورد مبلغ ریالی پروژه	مبلغ سپرده شرکت در مناقصه به ریال	محل اجرا	حداقل رتبه لازم	درصد نقد و تهاتر	مدت
۱	خرید خدمات و بهره برداری از سامانه خودرو سیار ثبت تخلفات (شماره فراخوان ۲۰۰۳۰۵۰۲۸۸۰۰۱۶۵)	۱۰۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۵/۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰	شهر فردیس	دارای گواهینامه رتبه بندی ۴ انفورماتیک	۱۰۰ در صد نقد	۱ سال
۲	خرید و نصب تعمیر و بازسازی تابلو ها و علائم چراغ های راهنمایی و رانندگی (فرماندهی - چشمک زن) سطح شهر - تجدید (شماره فراخوان ۲۰۰۳۰۵۰۲۸۸۰۰۱۶۶)	۳۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱/۶۵۰/۰۰۰/۰۰۰	شهر فردیس	۵ راه و ترابری	۱۰۰ در صد نقد	۵ ماه
۳	زیر سازی معابر سطح شهر (شماره فراخوان ۲۰۰۳۰۵۰۲۸۸۰۰۱۶۷)	۲۲/۵۴۵/۰۰۰/۰۰۰	۱/۱۲۷/۲۵۰/۰۰۰	شهر فردیس	۵ راه و ترابری	۱۰۰ در صد نقد	۳ ماه
۴	جایجایی پایه های فشار متوسط و ضعیف ضلع غربی جاده ملارد حد فاصل گلستان ۶۲ تا ۴۰ (شماره فراخوان ۲۰۰۳۰۵۰۲۸۸۰۰۱۶۸)	۲۶/۳۴۹/۵۵۰/۰۰۷	۱/۳۱۷/۴۷۷/۵۰۱	شهر فردیس	۵ نیرو	۱۰۰ در صد نقد	۷ ماه
۵	کلکتور گذاری و ساماندهی بلوار شهید سلیمانی (جاده ملارد) - تجدید (شماره فراخوان ۲۰۰۳۰۵۰۲۸۸۰۰۱۶۹)	۹۵۸/۳۱۱/۳۵۹/۰۰۰	۴۷/۹۱۵/۵۶۷/۹۵۰	شهر فردیس	۵ راه و ترابری و ۳ آب	از مبلغ ۹۵۸/۳۱۱/۳۵۹/۰۰۰ ریال (۵۷ درصد نقد و ۴۳ درصد تهاتر) که مبلغ ۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از بودجه مصوب سال ۱۴۰۳ و باقی مانده بودجه مورد نیاز جهت تکمیل پروژه در صورت تصویب به همین نسبت (در متمم یا بودجه اصلاحی سال ۱۴۰۳ و یا بودجه مصوب سال ۱۴۰۴) پرداخت خواهد شد	۹ ماه